

ورزشگاه شهیدمفتح، مصداق بارز یک بی‌تدبیری و اتلاف آشکار سرمایه و بیت‌المال است

سرمایه‌گذاری برای هیچ‌وپوچ

ورزش در استان که اگر کمی در انتخاب مکان و جانمایی آن منطق و آینده‌نگری و یا حداقل خرد جمعی به خرج داده می‌شد و به‌نوعی سیاست‌بازان وقت ورزش را مستمسکی برای بازی‌های تبلیغاتی خود نمی‌کردند، شاید امروز نه‌تنها شاهد این مرگ تدریجی نبودیم، بلکه صاحب فرصت و سرمایه برجسته‌ای بودیم که می‌توانست بسیاری از جوانان و تیم‌های ورزشی این شهر و استان را در زیر چتر پوششی و حمایتی و سالم خود قرار دهد.

برخی کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه ورزش معتقدند که از همان ابتدا نیز مشخص بود که این ورزشگاه آن‌گونه که شایسته و بایسته آن است، مورد استفاده و استقبال قرار نمی‌گیرد. زیرا اشکالات عمده‌ای در دسترسی به این مکان وجود داشت که بدون لحاظ کردن بعد مسافت و امکان دسترسی آسان همراه با فقدان و یا عدم تکمیل زیرساخت‌های مورد نیاز و به‌رغم صرف هزینه گزاف از محل بودجه عمرانی ورزشی استان، ورزشگاه ساخته شد.

چه اینکه وقتی شاهد برگزاری اجباری چند مسابقه و رقابت هم در آن بودیم، تیم‌ها و تماشاگران رغبتی برای حضور در آن نشان ندادند؛ زیرا در این مکان عملاً هیچ‌گونه دسترسی مناسب و سریعی به خدمات درمانی، رفاهی، اسکان، حمل‌ونقل و ایمنی دیده نمی‌شد. حالا اما دیگر کار از کار گذشته و نه‌تنها دیگر امکان بازگشت از مسیر غلط نیست، بلکه باید ناخোسته متحمل هزینه‌های بسیار سنگین فرایش و استهلاک این سرمایه نیز باشیم که برحسب اتفاق هرروز نیز بیشترویشتر می‌شود.

درواقع وقتی امید به استفاده آسان و مفید از چنین طرحی نیست، لاجرم همه سهم سرمایه‌گذاری ما صندلی‌های خالی و شکسته و ملو از فضولات پرندگان می‌شود و فقط می‌توان پارس و جدال سگ‌های ولگرد را در گستره خالی آن دید و دیگر هیچ...

تکلیف روزهای باتکلیفی

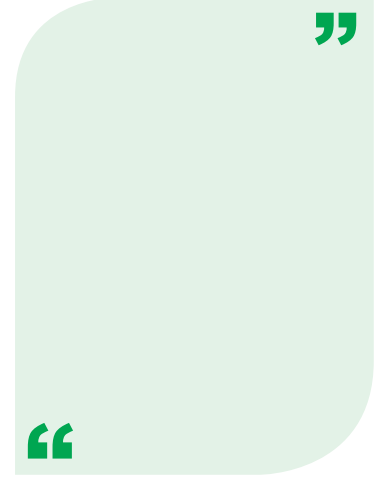
اگرچه هنوز این خوش‌باوری و ساده‌نگری در ذهن بسیاری از ما هست که بخواهیم باور کنیم در هدف غالی همه این عملکردها چیزی جزء پیشرفت و توسعه استان مدنظر نبوده و مدیران و مجریان و تصمیم‌گیرندگان نیز با تدابیر حکیمانه و آینده‌گرانه به تصویب و اجرای آن‌ها اقدام می‌کنند، اما لاجرم بازهم نمی‌توان با دیدن نتایج برخی از این‌گونه عملکردها، انتخاب‌های احساسی و فردی و یا روند اجرای ضعیف و نیمه‌تمام که گاهی نیز فاقد بن‌مایه‌ای از خرد و منطق جمعی است، این سؤال را از خود نکرد که آیا امروز کسی هست تا نسبت به این بازخوردهای منفی واکنش نشان داده و تحقیق و تفحص از این عملکرد غیر مدیرانه و فاقد توجیه را در دستور کار قرار دهد و اینکه آیا اصولاً طرح‌های این‌چنین بی‌فایده و کم‌بازده محلی از اعراب را درخصوص بررسی و امکان تجدید نظر و یا حتی مفیدسنجی دارا هستند یا نه؟ مضاف بر اینکه تا کی باید شاهد اجرای چنین تدابیر ناشیانه و فرصت‌طلبانه از سوی برخی مدیران و مجریان باشیم؟

گو اینکه در این مورد خاص (ورزشگاه شهیدمفتح) دیگر نمی‌توان آب رفته را به جوی بازگرداند، اما حداقل این انتظار از مسئولین فعلی می‌رود تا با درایت و تدبیری منطقی از ادامه این روند منفی و فرسایشی جلوگیری کرده و راهکاری رودبازده را برای احیا و بازگرداندن هرچند نسبی این سرمایه متروک به خرجه استفاده و بهره‌برداری در دستور کار قرار دهند؛ چه اینکه قطعاً از هرجا جوی ضرر را بگیریم، بازهم منفعت است.

پایان سخن اینکه گاهی فراموش نکنیم بسیاری از طرح و پروژه‌های امروز به‌جامانده از نظام فکری مدیران گذشته و شرایط دیروز است که لاجرم با مقتضیات و مطالبات امروز تا تفاوت‌هایی دارد؛ لذا انتظار می‌رود که امروزه قیل از هرگونه طراحی و اجرای پروژه ابتدا چشم‌انداز از هر آنچه در دست اجراء است، بررسی شده و با شرایط فردا در دستور کار قرار گیرد و سپس اقدام به کلنگ‌زنی درخصوص تخریب و یا احداث بزنیم تا فردا شاهد ایجاد گورستان‌های بزرگ سرمایه و پول بیت‌المال نباشیم.



توجه به جنبه‌های مختلف آن از قبیل افزایش کیفیت مسابقات، جلب تماشاگر بیشتر به ورزشگاه، دریافت مجوز میزبانی مسابقات فوتبال در سطوح بین‌المللی و غیره، حائز اهمیت است؛ اما چه می‌شود کرد که از راه‌ورد یک انتخاب غلط و غیر کارشناسانه در ساختار ورزشی استان همدان، امروز باید شاهد مرگ تدریجی و هدررفت یک سرمایه کلان در حوزه ورزش باشیم. در حالی که گویا چندان کم این موضوع برای کسی مهم نیست و سینه‌چاکان دفاع از بیت‌المال و آنان که داعیه مقابله با بی‌تدبیری‌ها را دارند، سکوت کرده‌اند و یا در نهایت به سر تکان دادن‌هایی از جنس تأسف تبلیغاتی مشغول هستند.



چه اینکه در این بین نیز مشاهدات میدانی خبرنگاران روزنامه سپهرغرب و تصاویر تهیه‌شده از حال‌ورز این ورزشگاه نیز گواه صادقی است بر فراموشی و بی‌توجهی و متعاقباً استهلاک، تخریب و فرسایش یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌های حوزه

این‌همه وسعت اراضی جایی نزدیک‌تر از این مکان وجود نداشت تا به گودال و خندق مدفون کردن ده میلیارد تومان سرمایه بی‌زمان استان بدل شود؟ بیابانی که فقط جولانگاه حیوانات است و کمتر کسی حاضر می‌شود به آنجا برود؛ دیگر پروژه‌های نیز مانند چاه ویل در حال بلعیدن سرمایه و بودجه استان هستند، در حالی که هنوز نتیجه کارشان در اگر و اما دست‌وپا می‌زنند و صداآلوده کمتر کسی هم به فکر

بازخوردسنجی و یا راست‌آزمایی توجهات اقتصادی،



فرهنگی و... عنوان‌شده برای آن‌هاست. **مرگ تدریجی یک سرمایه** امروزه همه بر این امر اذعان دارند که اسنادیوم‌های فوتبال زیرساخت‌های اصلی این رشته ورزشی برطرفدار در جامعه به‌شمار می‌روند و لاجرم لزوم



سخن از کمبود سرانه فضای ورزشی در کشور و استان ما می‌شود، در قبال صرف هزینه کلان چند ده میلیاردی، تنها حاضران این ورزشگاه ۱۵ هزار نفری چند نفر نگهبان هستند که البته آن‌ها نیز از سفر ناچاراً سالیان متمادی است که وظیفه حفظ و حراست از این سرمایه‌گذاری ملی و استانی را در بیابان‌های اطراف همدان برعهده دارند.

گو اینکه اگر بر این تعداد انگشت‌شمار حضور یکی دو ساعته یک تیم ۱۰-۱۵ نفره ورزشی را هم

داشته‌های ارزشی استان همدان مبدل شود؛ اگر فقط یک عیب کوچک در آن نبود. این عیب کوچک هم چیزی نیست جزء آنکه از بدو افتتاح و ورود به خرجه کاربری (سال ۱۳۸۸)، این ورزشگاه خوب و مدرن متأسفانه تنها چیزی که در خود ندیده و نشنیده و حس نکرده، برگزاری مسابقات ورزشی و هیاهوی تماشاگران و متعاقباً شورونشاط تیم‌های ورزشی در رقابت با یکدیگر است

و نه چیز دیگر! گو اینکه تنها روزی هم که این ورزشگاه توانست تا کمی سنگینی حضور تماشاچیان را بر روی صندلی‌های تازه و نو خود احساس کند، زمان حضور رئیس‌جمهور ماضی در استان بود که البته آن‌هم در اصل یک گردهمایی و تجمع تبلیغی و سیاسی بود تا یک تجمع ورزشی و سالم...

حالا اما قریب به ۱۵ سال از عمر این ورزشگاه می‌گذرد؛ در حالی که به واسطه شرایط سخت اقتصادی نظام ورزشی ما در تپوتاب جذب سرمایه و اعتبار جهت ساخت و تأمین فضاهای ورزشی مورد نیاز برای خیل جوانان مستعد در حال دست‌وپا زدن در گرداب کاغذبازی و قانون‌سازی است و هر از چند گاهی نیز با بهانه‌های مختلف از سروته همین سرانه و بودجه بخورونمیر ورزشی زده می‌شود و یا وقتی

کرد که شکل و شمایل ظاهری و ایضاً وضعیت طراحی داخلی این ورزشگاه قطعاً هر بیننده‌ای را وادار به تعریف و تمجید خواهد کرد؛ زیرا جدا از وسعت بسیار زیاد و طراحی کلاسیک و شکیل آن، برعکس دیگر هم‌تایان خود در شهر همدان مانند ورزشگاه قدس و انقلاب یا... به دلیل داشتن فضای پیرامونی، استعداد و زمینه فضاسازی‌های بسیار وسیع و قابل قبولی را نیز برای تأمین دیگر نیازهای مراجعه‌کنندگان در آینده داراست که درصورت تحقق قطعاً این فرصت را خواهد داشت تا در مقایسه با هم‌تایان خود به یکی از قطب‌های ورزشی کشوری و حتی بین‌المللی و ایضاً داشته‌های ارزشی استان همدان مبدل شود؛ اگر فقط

یک عیب کوچک در آن نبود. این عیب کوچک هم چیزی نیست جزء آنکه از بدو افتتاح و ورود به خرجه کاربری (سال ۱۳۸۸)، این ورزشگاه خوب و مدرن متأسفانه تنها چیزی که در خود ندیده و نشنیده و حس نکرده، برگزاری مسابقات ورزشی و هیاهوی تماشاگران و متعاقباً شورونشاط تیم‌های ورزشی در رقابت با یکدیگر است

و نه چیز دیگر! گو اینکه تنها روزی هم که این ورزشگاه توانست تا کمی سنگینی حضور تماشاچیان را بر روی صندلی‌های تازه و نو خود احساس کند، زمان حضور رئیس‌جمهور ماضی در استان بود که البته آن‌هم در اصل یک گردهمایی و تجمع تبلیغی و سیاسی بود تا یک تجمع ورزشی و سالم...

حالا اما قریب به ۱۵ سال از عمر این ورزشگاه می‌گذرد؛ در حالی که به واسطه شرایط سخت اقتصادی نظام ورزشی ما در تپوتاب جذب سرمایه و اعتبار جهت ساخت و تأمین فضاهای ورزشی مورد نیاز برای خیل جوانان مستعد در حال دست‌وپا زدن در گرداب کاغذبازی و قانون‌سازی است و هر از چند گاهی نیز با بهانه‌های مختلف از سروته همین سرانه و بودجه بخورونمیر ورزشی زده می‌شود و یا وقتی

سپهرغرب، گروه ورزشی - عباس سربیشی: در تاریخ نقل است مَتمکنی در بیابانی لم‌بزرغ (و یا به نقل دیگر روی کوهی بلند) پلی ساخت؛ وقتی از وی علت این کار را جویا شدند، گفت: شاید روزی سلطان از این راه عبور کند و قطعاً از دیدن این بنا متعجب شده و سازنده آن را خواهد طلبید تا علت این کار غیر منطقی را جویا نشود. آن‌وقت من با همین دست‌آویز به خدمت سلطان شرفیاب شده و نام و نشانم در خاطر وی باقی خواهد ماند...! مراد از نقل لطیفه مذکور توجه به این نکته است که متأسفانه در جامعه ما نیز عملکردهای عجیب‌وغریب مدیریتی این‌چنینی کم نبوده و نیست؛ بر حسب اتفاق هم هر از چندگاهی یکی از آن‌ها بهانه‌ای را به‌دست می‌دهد تا برای مدتی سوژه حرف‌وحديث عوام یا مستمسکی برای پر کردن صفحات جراید و در نهایت نقل نقلی برای وقت پرکنی مجالس خواص فراهم شود.

شاید چیزی شبیه همان تالار قرآن که با چند ده میلیارد هزینه هنوز بالاکتلیف ساختن و ساخته نشدن روی دست شهر مانده و یا برچی فرهنگی که به‌نام عین‌القضات بنا شده، اما کمتر نشانی از فرهنگ در آن دیده می‌شود و یا حتی چند دهنه پلی که به امید کاستن از بار ترافیک شهر بی‌ریزی شده و یا در حال ساخت است، اما در عمل گرّه چندان از مشکلات معابر درون‌شهری ما باز نکرده و البته به همین موازات هم ده‌ها باب خانه بهداشت، مدارس، مسجد و حسینیه و دیگر پروژه‌های زیرساختی دیگری که عموماً نیز به دلیل فقدان بودجه و یا موانع کاری و فنی، سال‌هاست نیمه‌کاره مانده‌اند و متعاقباً نیز به علت گذشت زمان، هنوز ساخته نشده رنگ و لعاب مخروبه‌های در حال ریزش را به خویش گرفته‌اند.

حالا اما شهر ما نیز به مانند دیگر شهرها کم‌ویش پر شده از این‌گونه طرح و برنامه‌ها و یا سازهای نیمه‌کاره و کم‌بازده که عموماً نیز میراثی است به‌جامانده از مدیریت‌هایی توانمند و کارآزموده در دولت‌های ماضی که البته در تمام آن‌ها نیز شعار استفاده بهینه از منابع و سرمایه‌ها برای توسعه حداکثری استان و شهر در همه وجوه و ابعاد بسیار پررنگ و کرکننده شنیده می‌شده است.

در میان این فهرست بلندبالا از آشار و اوبیه حرف‌وحديث‌دار یا پروژه‌های خیلی خیلی پست‌مدرن نیمه‌کاره و بی‌بازده شهری، شاید یکی از آن‌ها نه در قیاسی مع‌الافرق، بلکه در مصداقی عینی به مانند همان بل حکایت پیش‌گفته می‌ماند که مدت‌های مدیدی است در بیابان‌های اطراف همدان به حال خود رها شده و در حال تخریب و فرسایش است؛ بی‌آنکه نه سلطانی، نه وزیری، نه وکیلی و نه حتی رهگذری عامی علاقه‌ای به جویا شدن از وضع و حالی را داشته باشد.

مُعرف این بنا را نیز می‌توان در تابلویی رنگ‌ورورفته و چندین کیلومتر بیرون شهر همدان دید که بر روی آن عنوان پرطمطراق ورزشگاه (استادیوم) ۱۵ هزار نفری شهیدمفتح نقش بسته؛ میعادگاهی که در سال‌های دور (سال ۱۳۸۳) برای ورزش‌دوستان همدانی کلنگ احداث آن به زمین زده شده و بر حسب اعلام در سال ۱۳۸۸ نیز به مرحله بهره‌برداری رسیده است.

همچنین در شناسه این بنا عنوان می‌شود که مجموعه ورزشی در مساحتی بالغ بر ۳۰ هزار مترمربع و مجهز به سامانه گرمایشی از کف، چمن، شبکه آبیاری خودکار، روشنایی زمین، سونای خشک، رختکن مجزا برای هر تیم، پیست دوومیدانی، صاعقه‌گیر و صفحه نمایش ساخته شده؛ در عین حال این ورزشگاه ۱۵ هزار نفری دومین ورزشگاهی است که چمن آن با سیستم مشابه زمین چمن شماره یک آزادی نگهداری می‌شود. اگرچه بنا بر اقوال مختلف برای ساخت این سازه عظیم ورزشی مبلغی بالاتر از ۷۵ میلیارد ریال (البته با احتساب قیمت‌های ده سال گذشته) هزینه شده، ولیکن مشاهدات میدانی گواه این موضوع است که هنوز طرح آن‌گونه که در نقشه آمده، کامل نشده و نشانگان نیاز به ترمیم و ساخت در پیرامون آن به‌وضوح مشاهده می‌شود.

البته با رعایت جنبه عدالت و انصاف باید اذعان

سپهرغرب، گروه ورزشی: آیین تجلیل ۱۹۵ تن از قهرمانان، مدال‌آوران، نام‌آوران و حامیان ورزش ملایر با حضور مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان، نمایندگان مردم ملایر در مجلس شورای اسلامی، معاونت استاندار، فرماندار ویژه و جمع کثیری از مسئولان و جانبازان ورزشکار شهرستان ملایر برگزار شد.

به گزارش سپهرغرب و به نقل از روابط عمومی اداره ورزش و جوانان شهرستان ملایر، رئیس اداره ورزش و جوانان شهرستان ملایر به پاس قدرانی از نام‌آوران، قهرمانان و حامیان ورزش این شهرستان که افتخارات ارزنده‌ای را برای ورزش شهرستان، استان و کشور و به‌رمان آورده‌اند، طی مراسم با شکوهی در حضور مسئولین استان و شهرستان از آن‌ها تجلیل بعمل آورد.

کشتنی ملایر باید همچنان مدال‌آور باشد

نماینده ورزش‌دوست و مردمی شهرستان ملایر در مجلس شورای اسلامی وجود توان و ظرفیت بی‌شمار در این شهرستان به‌ویژه در عرصه ورزشی را موجب افتخار دانست.

محمد کاظمی در این مراسم با اشاره به جایگاه ورزش کشتنی این شهرستان در میدان‌های جهانی و المپیک، گفت: سرازوار است کشتی ملایر کماکان همانند گذشته در میدان‌های ورزشی مدال‌آور باشد. این مقام مسئول اظهار کرد: ورزش ما در مدال‌آوری و قهرمانی نسبت به سال‌های گذشته

نام‌آوران و حامیان ورزش شهرستان ملایر تجلیل شدند

عقب مانده است که باید این وقفه جبران شود و حرکت‌های خوبی در کسب قهرمانی داشته باشیم. وی فرهنگ را مساوی اخلاق دانست و افزود: شهرت ملایر به‌عنوان شهر اول فرهنگی استان، مرسوم اخلاقی است که ورزشکاران ترویج می‌دهند و پیشکوتایان ورزش همواره اخلاق را به ورزشکاران توصیه می‌کنند.

نائب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس دهم بیان کرد: تلاش ما نیز در مجلس شورای اسلامی بر این است که همواره شأن و جایگاه فرهنگی ملایر را حفظ کنیم و این امر در نطق‌ها، برخوردها، رفتار و پیگیری‌های مسائل شهرستان مشهود است.

کاظمی ملایری‌ها را مردمی قدرشناس و متدین دانست و افزود: ملایری‌ها قدرشناسی خود را با حضور پای صندوق‌های رأی نشان داده‌اند که در این زمینه با نیت خدمت به مردم، هیچ دلیلی برای اختلاف وجود ندارد.

وی با اشاره به مشکلات موجود در کشور، ادامه داد: با وجود همه تلاش‌ها آن‌گونه که در شان مردم است، خدمات قابل توجهی به آنان ارائه نشده که بخشی از مشکلات ناشی از تحریم‌های ظالمانه و بخشی نیز به سوء مدیریت‌ها برمی‌گردد.

کاظمی همچنین به پیشرفت‌های ملایر در حوزه‌های مختلفی همچون بهداشت و درمان، عمران و بهسازی روستاها، راه و به‌ویژه ورزش اشاره کرد و افزود: تلاش ما همواره بر این است که

توانیم برای ساخت و تکمیل اماکن ورزشی، تأمین تجهیزات و کمک به هیئت‌های ورزشی، اعتبارات و امکاناتی را جذب کنیم. عضو فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «مهدی رضایی» رئیس اداره ورزش و جوانان ملایر از زمان ورود بسیار پرترک عمل کرده است، گفت: ورزش ملایر باید همچنان پویا و با نشاط باشد.

کاظمی بیان کرد: اوایل سال آینده ورزشگاه پنج هزار نفری ملایر که عملیات اجرایی آن به دلیل کمبود اعتبارات بسیار طولانی شد، بهره‌برداری می‌شود.

وی ثبت ملی مبل و منبت و ثبت جهانی انگور ملایر را دو اقدام مهم و ماندگار طی سال گذشته و اسامال عنوان کرد و افزود: ثبت جهانی انگور ملایر برند مهم و جایگاه بسیار بالایی برای ملایر است که باید حفظ و نگهداری شود. کاظمی ادامه داد: به دنبال ثبت جهانی انگور ملایر در دیدار با رئیس سازمان برنامه‌وبودجه کشور، از وی درخواست کردیم اعتبار ویژه‌ای به پژوهشکده انگور و کشمش ملایر اختصاص یابد تا متناسب با ثبت جهانی، بتوانیم جهت فراوری، تولید و ایجاد باغ‌های مناسب تلاش کنیم. نماینده مردم ملایر در مجلس شورای اسلامی گفت: به دنبال ثبت جهانی مبل و منبت ملایر هستیم تا در فرصت باقیمانده بتوانیم این کار مهم را به سرانجام برسانیم.

کاظمی یادآور شد: به همین منظور به‌زودی معاون صنایع‌دستی سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کشور به ملایر سفر می‌کند. وی همچنین درخواست کرد: تارنمایی‌ها و نیازهای حوزه ورزش ملایر بررسی و اعلام شود تا بتوانیم برای حل آن‌ها پیگیری‌های لازم را انجام دهیم.

نماینده دیگر مردم شهرستان ملایر در مجلس شورای اسلامی نیز در این مراسم با بیان اینکه ذات ملایر تخیه‌پروری است، اظهار کرد: قرار گرفتن ملایر در جایگاه نخست شهر فرهنگی استان، وظیفه مسئولان و نمایندگان این شهرستان را برای بارور کردن توانمندی‌ها و استعدادها دوجندان می‌کند. حجت‌الاسلام احد آذادیخواه با تأکید بر اینکه ملایر به لحاظ هنر به‌ویژه تئاتر، ورزش‌های انفرادی و کشتی در کشور حرف برای گفتن دارد، افزود: اگر دست‌به‌دست هم دهیم، می‌توانیم به اهداف بلند شهرستان در حوزه‌های مختلف دست پیدا کنیم.

سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس دهم با اشاره به ثبت جهانی انگور ملایر، گفت: به‌زودی جشن باشکوه جهانی شدن انگور ملایر با حضور مسئولان برگزار می‌شود و باید از تمامی ظرفیت‌ها و استعدادی‌های این شهرستان به‌ویژه در عرصه هنر استفاده کنیم. رئیس اداره ورزش و جوانان ملایر در ادامه این آیین بیان کرد: آیین تجلیل از قهرمانان و مدال‌آوران

تجلیل از اعضای هیئت‌مدیره بازار میل ملایر نیز از دیگر بخش‌های این آیین بود که از زمان ملی شدن میل و منبت ملایر و تشکیل هیئت‌مدیره تاکنون، دو میلیارد ریال به ورزش این شهرستان کمک کرده‌اند.

همچنین از ۲۴ مربی حامی مالی ورزشی، ۱۵ تن از داوران، هفت تن از قهرمانان ملی و برون‌مرزی، هفت تن از اردو نشینان تیم ملی و ۶۵ تن از قهرمانان و مدال‌آوران ورزش این شهرستان در ۱۲ رشته ورزشی تجلیل بعمل آمد.

در این آیین لوح تقدیر و تندیس ورزش به نام‌آوران کشتی ملایر «مسعود مصطفی جوکار» و «جلال لطیفی» اهدا شد؛ ۱۱ هیئت ورزشی ملایر به‌عنوان هیئت‌های برتر انتخاب شدند که در کنار ۳۰ هیئت ورزشی و ۱۱ تن از نواب و رؤسای هیئت‌های ورزشی این شهرستان، از آن‌ها تجلیل شد.

آیین تجلیل از قهرمانان و نام‌آوران و حامیان ورزش ملایر روز پنجشنبه هفته گذشته با حضور ورزشکاران و خانواده‌های آنان در سالن فرهنگی و هنری ارشاد این شهر برگزار و از ۱۹۵ نام‌آور و حامی ورزش این شهرستان تجلیل شد.

مدیرکل ورزش و جوانان استان همدان، معاون استاندار، فرماندار ویژه، نمایندگان مردم ملایر در مجلس شورای اسلامی و جمع کثیری از مسئولان و جانبازان ورزشکار در این آیین به‌یادماندنی حضور داشتند.